معرفي يك نسخه خطي فارسي از قرن 12 هجري قمري

فائزه زهرا ميرزا

همه شما دانشمندان مي دانيد که قديمي ترين سيره ها را ابن اسحاق نوشته است. وي در قرن دوم هجري مي زيسته است و بعد از او ابن هشام اين سيره را به صورت کتابي درآورده است. بخش هايي از روايت او به صورت پراکنده در مهم ترين متون تاريخي قرن سوم هجري، مانند «طبقات» ابن سعد و «انساب الاشراف» بلاذري و نيز در تفسير و تاريخ طبري و کتاب هاي ديگر که پايه و مأخذ همه تاريخ نويسان و مفسران بعدي بوده، نقل شده است.

 استاد مرتضي مطهري در کتاب سيره نبوي(ص) درباره کلمه «سيره» چنين نوشته است: «واژه سيره در زبان عربي از ماده «سَير» است. «سَيرش» يعني حرکت و راه رفتن. به کار بردن لغت سيره که از قرن اول و دوم هجري مسلمانان آن را به کار برده اند، خيلي عالي است؛ گرچه در مقام عمل، مورّخين ما خوب از عهده برنيامده اند، ولي انتخاب اين لغت بسيار عالي بوده است. «سيره» در لغت عربي بر وزن «فِعلَه» است و «فِعله» در زبان عربي دلالت مي کند بر نوع عمل. «سير» يعني رفتار و «سيره» يعني نوع رفتار و آنچه که مهم است، شناختن سبک رفتار پيغمبر(ص) است. علمايي که سيره نوشته اند در حقيقت رفتار پيامبر را نوشته اند و کتاب هايي که ما به نام سيره داريم «سير» است نه «سِيرَه».»

 تا به حال هزاران کتاب درباره سيرت حضرت پيغمبر نوشته شده است و هنوز چندين برابر به صورت نسخه خطي موجود است که شايد روزي آنها نيز در دنياي ادب فارسي به طبع و نشر برسند و کار و کوشش نويسندگان، مورّخان، شاعران و اديبان به ثمر برسد. فقط در کتابخانه گنج بخش حدود صد نسخه خطي موجود است که درباره سيرت حضرت پيغمبر به نثر و يا نظم نوشته شده و امثال اين نسخه ها در بسياري از کتابخانه هاي دنيا نيز ديده مي شود.

 نسخه خطي اي که در اختيار بنده گذاشته شده، با شماره 398 به نام «سيرت النبي»، به زبان فارسي و به شکل منظوم در فهرست الفبايي نسخه هاي خطي گنج بخش ثبت شده است. تحقيقات اينجانب، با استناد به اشعار شاعر که «در سبب نظم کتاب» سروده، به اين نتيجه رسيده است که تخلّص شاعر و سراينده اين سيره، «غازي» است و اين نسخه شايد «غازي نامه» نام داشته باشد؛ چون غزوات حضرت رسول اکرم را به طور مفصل در آن مطرح کرده است. شاعر در بعضي از ابياتِ اين کتاب لفظ «غازي» را آورده، از آن جمله است:

 اگر ايزدم دل نوازي کند درين نظم ارشاد غازي کند

 و يا:

 به ستر خدا دلنواي کند زخود پرده بر عيب غازي کند

 متأسفانه اين نسخه از آغاز افتادگي دارد و نام کاتب در آخر آن محو شده است؛ ولي نيمي از نام او چنين است: «محمدي شاگرد شيخ محمد صَحَّاف»؛ در ضمن تاريخ کتابت هم ندارد. بنابر عقيده فهرست نگار، اين نسخه در قرن 12هـ.ق کتابت شده است. خطّ آن نستعليق خوش متوسط و داراي 436 صفحه است. همۀ متن به نظم فارسي است و در قالب مثنوي، بر وزن شاهنامه فردوسي: فعولن فعولن فعولن فعول (فعل)، در بحر متقارب مثمن محذوف و مقصور سروده شده است. طبق بررسي هاي من، اين کتاب 186 عنوان در موضوع هاي مختلف دارد. تمام عناوين کتيبه دارد و همه موضوعات آن عنوان ها در کتيبه ها نوشته شده است.

 عناوين اين نسخه اينگونه است: در نعت حضرت محمد(ص)، در مناقب اصحاب پيغمبر(ص)، سبب نظم کتاب، در صفت آفريدن نور حضرت محمد و آفريدن عرش و آدم(ص)، ولادت حضرت محمد، نزول وحي به پيغمبر، در صفت معراج حضرت محمد(ص)، جنگ هاي اسلام (مانند: غزوه بدر، خندق، احد، تبوک، غزوۀ، موته، فتح خيبر و فتح مکه) و در آخر: وفات حضرت پيغمبر و دفن کردن حضرت محمد(ص).

 در عناوين اين نسخه 58 آيه قرآن به مناسبت موضوع کتاب آورده شده است و نگارنده ذيل اين عناوين قرآني در همه اين نسخه، سيرت نبوي را شرح و بسط داده است. براي مثال اشعاري از يک عنوان ارائه مي کنم که شيوه کار سراينده را نشان داده باشم: در آيه نهم سوره يس که سوره 36 قرآن است، خداوند متعال چنين مي فرمايد که «وَجَعَلنَا مِن بَينَ اَيدِيهِم سَداً فَاَغشَينَاهُم فَهُم لا يُبصِرُونَ» يعني « و راه خير را ما از پس بر آنها سد کرديم و بر چشم (هوش) شان هم پرده افکنديم که هيچ (راه حق) نبينند.» در نسخه مورد نظر ما سراينده اين آيه را نقل کرده و زيرآن چنين سروده است:

 دويدند در غار و صدر جهان خدا کرد از چشم ايشان نهان

 بجستند بسيار و کم يافتند ز نايافتن درد و غم يافتند

 شنيدم که بعضي زکفار دون نشستند آنجا به غار اندرون

 نهادند در پيش و خرما به کف گشادند در خوردن آن به صف

 چوانداختندي به دست استخوان به پيش نبي اوفتادي ز خوان

 نشستند چنين بود نزديکشان نديد اي عجب چشم تاريکشان

 برفتند آخِر برون از شِکفَت غم از جان سلطان عالم برفت

 همانطور که قبلاً ذکر شد، آغاز نسخه که شامل ابياتي در حمد خداي تعالي است، اينک در دست نيست و نسخه اينگونه آغاز مي شود:

 پَرَستِش کن اي دوستانرا که اوست به رحمت زدشمن نگهدار دوست

 فرومانده ام بيم خوف و رجا من و کردگار از کجا تا کجا

 نگارنده بعد از حمد خدا، حضرت محمد را در 76 بيت نعت مي کند که آغازگر آن، اين ابيات است:

 پس از حمد حق فرض عين است اين که افشا کنم نعت سلطان دين

 رسول خدا پيشواي رُسُل امام هدي مقتداي سُبُل

 محمد چراغ دل اهل دين سر انبيا خسرو مرسلين

 بزرگان خاصند عامان او سلاطين عالم غلامان او

 شاعر در آخر مي گويد:

 توکل کنون بر خدا کرده ايم تَوَلّا به لطف تو آورده ايم

 گرم رد کني اي نبي ور قبول ندارم کسي جز خدا و رسول

 به همين ترتيب اين نسخه، عناوين گوناگوني دارد که همه آنها مفاهيمي چون خلقيات، معجزات، غزوات و احاديث حضرت رسول اکرم(ص) را بيان مي کند. آخرين عنوان اين نسخۀ ارزنده سيره نبوي درباره دفن کردن حضرت محمد(ص) است که با اين ابيات شروع مي شود:

 خلاف خلافت چو بگذاشتند نبي را به تن شويي برداشتند

 شنيدم من از آشنا و اجنبي که با جامه دادند غسل نبي

 رسولي کز او سرفراز آمدند به خاکش سپردند و باز آمدند

 زمين تيره و خيره افلاک شد که خورشيد آفاک در خاک شد (الا آخر)

 اينک ابيات پاياني نسخه:

 چو ظاهر شود صبح روز بقا مکن شيخ مرحوم مان از لقا

 نويسنده را کن نظر اي الله که او را جريده پراست از گناه

 به هر يک زمان صد هزاران سلام زما بر محمد عليه السلام